

## نیم نگاهی به هستی شناسی فلسفی

سارا قاسمی



هستی شناسی فلسفی  
(شرح تحفة الحکیم  
محمد حسین غروی اصفهانی)  
غلامرضا رحمانی،  
قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی، از فقها و اصولیین، عارف، شاعر و فیلسوف. او در اول محرم سال ۱۲۹۶ ق در محله غری کوفه (نجف اشرف کنونی) دیده به جهان گشود؛ از این رو وی به «غروی» ملقب شد. حاج محمداسماعیل از اجداد علامه کمپانی از جمهوری خودمختار نخجوان اتحاد جماهیر شوروی سابق به ایران مهاجرت کرد و در شهر اصفهان سکنا گزید و به همین دلیل علامه کمپانی به لقب «اصفهانی» نیز ملقب شد. پس از مدتی خانواده علامه کمپانی از اصفهان به کشور عراق مهاجرت و در شهر کاظمین اقامت کردند.

پدرش حاج محمدحسن معینالتجار مشهور به کمپانی از تاجران مشهور آن شهر و مردی پارسا و بسیار با تقوا بود. به همین دلیل علامه کمپانی نزد ارباب فن به خاطر شغل پدری خود، یعنی تجارت و بازرگانی به کمپانی نیز معروف و مشهور شد. علامه کمپانی پس از درگذشت پدرش ثروت زیادی را به ارث برد، اما همه آن را در راه کسب و تحصیل علم و دانایی صرف کرد.

علامه کمپانی مقدمات علوم دینی را در کاظمین تحصیل و در اوایل جوانی برای ادامه تحصیل و تکمیل اندوخته‌های علوم دینی و کسب فلسفه الهی به نجف اشرف هجرت کرد و در محضر درس اصول و فقه آخوند شیخ محمدکاظم خراسانی تلمذ کرد و به مدت سیزده سال از محضر او مستفیض شد.

وی در طول عمر شریف و پربرکتش کتاب‌ها و رساله‌های متعددی تألیف و تصنیف کرد و همین‌طور بر کتاب‌ها و رساله‌های علمای اسلامی، حواشی و تعلیقه‌های زیادی به رشته تحریر درآورد. برخی از این آثار عبارتند از: حاشیه کفایة الاصول، حاشیه کتاب‌المکاسب، حاشیه القطع، الاجارة، صلاة الجمعة، الاجتهاد و التقليد و العدالة، الطهارة، تحقیق الحق و الحکم، أخذ الاجرة علی الواجبات، دو رساله درباره مشتق، المعاد، منظومه‌ای درباره فلسفه به نام تحفة الحکیم، منظومه‌ای در ۲۴ ارجوزه در مدح پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و مراثی آنها به نام الانوار القدسیة به چاپ رسیده است، منظومه‌ای درباره روزه، اعتکاف، دیوان شعر به فارسی درباره عرفان، مدائح آل البیت و مراثی آنها، رسائل عملیه در فقه به عربی و فارسی و...

علامه شیخ محمدحسین کمپانی پس از سال‌ها تحصیل، تدریس و تألیف علوم عقلی و نقلی سرانجام در ماه ذی‌الحجه سال ۱۳۶۱ هجری قمری در سن ۷۵ سالگی در نجف اشرف چشم از جهان فروبست و به دار باقی شتافت.

### معرفی کتاب

کتاب هستی شناسی فلسفی شرح مختصری است بر تحفة الحکیم علامه کمپانی که شامل اشعار حکمی او در ۹۳۶ بیت در قالب کتابی فلسفی و ادبی است. وی این اثر را به زبان عربی و با اسلوبی شیوا و آسان و با این اندیشه که شرح منظومه ملاحادی سبزواری از نظر نحوه بیان و محتوا مسائل فلسفی و حکمی دارای اشکالاتی است، سروده است. علامه کمپانی قصد داشت به این دلیل منظومه خود را جایگزین شرح المنظومة ملاحادی سبزواری نماید، اما از آنجا که شرح المنظومة دارای محاسن فراوانی چون جامعیت مسائل حکمی و تفصیل مطالب است و از سویی ملا هادی سبزواری خود بر اشعار شرح نوشته است. در حالی که کتاب تحفة الحکیم فاقد این جنبه‌هاست و نتوانست مقصود علامه کمپانی را برآورد.

با این حال، این کتاب در سال ۱۳۷۸ هجری قمری با مقدمه و تصحیح یکی از شاگردان برجسته مرحوم کمپانی، یعنی علامه شیخ محمدرضا مظفر بدون شرح و توضیح در نجف اشرف به چاپ رسید. در باب این کتاب دو شرح نگاشته شده است که عبارتند از شرحی ناتمام و ناقص که حکیم میرزماهدی آشتیانی به تألیف و تکمیل آن اقدام کرد و لیکن اجل اجازه اتمام آن را به او نداد و شرح آن تا مبحث وجود ذهنی ادامه دارد. شرح دیگر کتابی به نام الحکمة المتعالیة،



شرح منظومه تحفة الحکیم به زبان عربی تألیف آیه الله سید محمد کاظم مصطفوی است که در بوستان کتاب به چاپ رسیده است و مؤلف کتاب حاضر در تدوین این اثر به آن توجه داشته است. مؤلف در مقدمه کتاب مقصود خود را چنین شرح می‌دهد: «کتابی که پیش روی طالبان حکمت الهی و جویندگان فلسفه ربانی قرار دارد، شرح فارسی بنده حقیر بر کتاب شریف تحفة الحکیم علامه کمپانی با عنوان هستی شناسی فلسفی شرح تحفة الحکیم کمپانی می‌باشد. گرچه کتاب تحفة الحکیم به دلیل آن که مبانی فلسفه و مسائل حکمت الهی به طور فشرده و با اختصار و ایجاز در آن مکنون و مخزون است، شرح مفصل تری را به فارسی یا به عربی می‌طلبد، اما این شرح می‌تواند راهنمایی برای شارحان بعدی تحفة الحکیم قرار گیرد تا رموز مکنون آن را با سهولت کشف نمایند.»

علامه شیخ محمد حسین کمپانی اشعار منظومه حکمت خویش را با حمد و ثنای واجب تبارک و تعالی آغاز می‌کند و در ادامه از ذات اقدس استدعا می‌نماید تا بر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و عترت پاک و مطهرش (ع) درود فرستد.

پس از حمد و ثنای حق تعالی و درود و صلوات بر حضرت محمد (ص) و خاندان پاک و مطهرش با تنظیم قواعد کلی فلسفی و ارائه مسائل عقلی ربانی مباحث خود را از بحث وجود آغاز می‌کند و تا پایان مبحث صفات واجب الوجود بالذات ادامه می‌دهد و سرانجام با نام و یاد پیامبر اسلام (ص) و خاندان پاک و مطهرش (ع) منظومه حکمت خود را به پایان می‌رساند.

این کتاب در یازده فصل تحت عناوینی چون هستی و نیستی، جعل و اقسام آن، وجود مستقل و رابط، مواد و جهات ثلاث، حدوث و قدم، قوه و فعل، ماهیت و لواحق آن، وحدت و کثرت، علت و معلول، جوهر و عرض، ذات و صفات واجب تعالی تدوین یافته است.

مؤلف در شرح این اثر به کتاب‌های قرآن مجید، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان، مقولات و آرای مربوط به آن، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهافت التهافت، الاشارات و التنبيهات، التعليقات، الشفاء، المبدأ و المعاد، کتاب النجاة، ریح مختوم، الجوهر النضید، کشف المراد، از سقراط تا ارسطو، منطق صوری، فصول الحکمة، لمعات الهیة، شرح المنظومة، شرح المقاصد، رهبر خرد، الملل والنحل، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة، العرشیة، المشاعر، بدایة الحکمة، نهاية الحکمة، اصول فلسفه و روش رئالیسم، اساس الاقتباس، تجرید المنطق، علم حضوری، اصول کافی، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، بحار الانوار و... استناد کرده است.

### نقد کتاب

مؤلف اثر حاضر را در اسلوبی روان و آسان و فارغ از پیچیدگی‌های زبانی شرح کرده است. با این حال شرح خالی از اشکال نیست و نکات ظریفی در آن به چشم می‌خورد. مؤلف در شرح کتاب مزبور، از آثار دیگران استفاده می‌کند و تقریباً حرف تازه‌ای و یا شرح خاصی از خود بر این کتاب ارائه نمی‌دهد و تنها به تفصیل بیشتر مطالب کتب دیگر، که در شرح خود به آنها ارجاع داده است، بسنده می‌کند. به عنوان نمونه در «صفحه ۸۰ در بحث برهان بساطت هستی» پس از بیان اشعار مرحوم کمپانی، از کتاب تجرید الاعتقاد، الحکمة المتعالیة، بدایة الحکمة، ریح مختوم و شرح المنظومة شرحی می‌آورد؛ و در ادامه به تفصیل شرح دیگران می‌پردازد و حرف تازه‌ای ارائه نمی‌کند. نمونه دیگر در صفحه ۱۱۵ در براهین مجعولیت وجود به کتاب الحکمة المتعالیة، نهاية الحکمة، المشاعر، بدایة الحکمة، شرح المنظومة و... ارجاع می‌دهد.<sup>۱</sup>

مؤلف در شرح اشعار کتاب به آثاری اشاره می‌کند که در دوره بعد از علامه کمپانی نگاشته شده اند. مثلاً به کتاب قواعد کلی در فلسفه اسلامی، کتاب المقولات ریح مختوم و... اشاره می‌کند. جای سؤال است که آیا می‌توان در شرح و تأیید آثاری که در دوره‌های قبل نگاشته شده‌اند از آثار متأخر استفاده کرد؟ آیا بهتر نیست که از آثار متقدم استفاده می‌کرد؟ مؤلف در صفحه ۳۴۲ در "بحث تقریر برهان فارابی" به الحکمة المتعالیة ملاحظه و شرح المنظومة ملاحظه می‌سزواری ارجاع می‌دهد، اما به آثار فارابی اشاره نمی‌کند. در حالی که بهتر بود به کتاب‌های فارابی ارجاع داده می‌شد. یکی از مواردی که در شرح این کتاب به نظر می‌رسد استناد مؤلف به کتاب بدایة الحکمة و نهاية الحکمة است. در واقع بدایة الحکمة خلاصه و چکیده نهاية الحکمة است و استفاده از هر دو چندان وجهی ندارد.

### پی‌نوشت

۱. همچنین بنگرید: ص ۱۷۹ در بحث حدوث عالم دهری.

### کتاب

هستی شناسی فلسفی

شرح مختصری است بر

تحفة الحکیم

علامه کمپانی

که شامل اشعار حکمی او

در ۹۳۶ بیت

در قالب کتابی

فلسفی و ادبی

است.

مؤلف در شرح

کتاب مزبور،

از آثار دیگران

استفاده می‌کند و

تقریباً حرف تازه‌ای و یا

شرح خاصی از خود

بر این کتاب

ارائه نمی‌دهد و تنها

به تفصیل بیشتر

مطالب کتب دیگر،

که در شرح خود

به آنها ارجاع

داده است،

بسنده می‌کند.